

گویش بیرجندی: بقا یا زوال؟^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱/۲۰

سید محمدحسین قریشی^۲

نرجس حاجی آبادی^۳

محسن مبارکی^۴

چکیده

تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در سال‌های اخیر به همراه توسعه‌ی صنعت، فناوری و ارتباطات، موجب گرایش گویشوران زبان‌ها و گویش‌های بومی و اقلیت به زبان ملی کشورمان یعنی فارسی معیار شده است و این روند، عاملی برای تضعیف جایگاه و تهدیدی برای حفظ زبان‌ها و گویش‌های محلی به حساب می‌آید. بیرجندی یکی از گویش‌های محلی کشورمان است که در سال‌های اخیر کاربرد آن در حوزه‌های مختلف کاهش یافته و فراگیران این گویش در نسل جوان هر روزه کمتر می‌شوند. هدف این پژوهش، به دست دادن شواهدی در مورد جایگاه اجتماعی این گویش و میزان کاربرد آن در حوزه‌های مختلف با استفاده از پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده در چهار گروه تحصیلی، پنج گروه سنی و دو گروه جنسیتی در شهر بیرجند است. بررسی داده‌های این پژوهش نشان می‌دهند که به طور نسبی بیشترین میزان کاربرد گویش بیرجندی مربوط به حوزه خانواده است و هر چه حوزه رسمی‌تر می‌شود، میزان کاربرد گویش بیرجندی کاهش می‌یابد. سن در کاربرد گویش در حوزه‌ها و موقعیت‌های مختلف مؤثر است. در مجموع یافته‌های این پژوهش از زوال تدریجی گویش بیرجندی در منطقه حکایت دارد.

۱. این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان "گویش بیرجندی: بقا یا زوال؟" برگرفته شده است.

۲. استادیار گروه زبان‌شناسی و زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند

smhghoreishi@Birjand.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند

nargeshajabadi@yahoo.com

۴. استادیار گروه زبان‌شناسی و زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند

mohsenmobaraki@yahoo.com

واژگان کلیدی: فارسی معیار، گویش بیرجندی، حفظ زبان، زوال گویش

مقدمه و طرح مسأله

گویش بیرجندی یکی از گویش‌های کهن فارسی و از گویش‌های استان خراسان جنوبی است که از گویش‌های فارسی نو محسوب می‌شود و در طول تاریخ، نسبت به زبان فارسی کمتر تحول یافته است، اما در سال‌های اخیر، در نتیجه تحولات صورت گرفته، این نگرانی وجود دارد که زبان رسمی کشور کم‌کم حضور خود را بر گویش بیرجندی و دیگر گویش‌ها حاکم کرده و پدیده زوال یا مرگ گویش بروز کند. فرایندهای زوال گویش‌های محلی و زبان‌های اقلیت در واقع یکی از انگیزه‌های مهم برای مطالعه آن‌هاست و امروزه در کشورها و جوامع گوناگون از جمله در کشور ما، در حال جریان است. از آنجایی که این فرایندها امروزه پرشتاب‌تر از هر زمان به پیش می‌روند، لذا در این راستا به نظر می‌رسد ضروری است ارزیابی از عواملی صورت گیرد که تصور می‌شود در پدیده زوال دخیل هستند و بر اساس آن میزان تأثیر عوامل گوناگون بر حفظ یا زوال گویش‌ها و زبان‌های محلی تا حدودی مشخص شود و اطلاعاتی درباره کاربرد و جایگاه واقعی آنها در اختیار برنامه‌ریزان قرار گیرد.

از این‌رو، هدف از این پژوهش بررسی وضعیت کاربردی کنونی گویش بیرجندی و تعیین میزان پویایی یا زوال گویش و نیز عوامل دخیل در پدیده زوال گویش در جامعه زبانی بیرجند است و از آنجایی که پویایی یا زوال همواره در بافت جامعه صورت می‌گیرد، در این بررسی نیز با نگرشی جامعه‌شناختی به این پدیده پرداخته خواهد شد و با استفاده از پرسشنامه و اجرای یک پژوهش میدانی موقعیت‌های زیر از نظر احتمال وقوع به محک آزمایش زده می‌شود:

- ۱- آیا دامنه کاربرد گویش بیرجندی تحت تأثیر زبان معیار و عاملی چون سن تا چند دهه دیگر بسیار محدود خواهد شد؟
- ۲- آیا گویشوران بیرجندی هم‌چون گذشته با وجود برخورد زبان معیار و عوامل دیگر، گویش خود را حفظ خواهند کرد؟

۲- تغییر و حفظ زبان

اصولاً تحولات و تغییرات زبان را می‌توان در دو مقوله جای داد: دسته‌ی اول، تغییرات واژگانی و دستوری است که در روند تحول زبان‌ها امری طبیعی تلقی می‌گردد. گروه دوم، تغییرات و تحولاتی است که در جایگاه اجتماعی این زبان و حوزه‌های کاربردی آن رخ داده است و به‌نظر می‌رسد که اهمیت آن بیش از تغییرات نوع اول باشد (اسماعیلی، بشیرنژاد و روحی مقدم، ۱۳۸۶: ۳). یکی از بحث‌های اساسی، مسأله تغییر زبان^۱ در مفهوم دوم است. منظور از تغییر زبان در این بحث حالتی است که یک جامعه، زبان خود را به نفع زبان دیگری کاملاً کنار می‌گذارد. در این حالت گاه به مرگ زبان^۲ نیز اشاره می‌شود. این پدیده در تقابل با حفظ زبان^۳ قرار می‌گیرد که در این حالت کل جامعه تصمیم به ادامه‌ی کاربرد سنتی زبان خود می‌گیرد. البته در پژوهش حاضر ما با جابه‌جایی و یا حفظ یک گویش (بیرجندی) در مقابل یک زبان رسمی (فارسی) روبه‌رو هستیم.

نقطه مقابل تغییر زبان و یا مرگ زبان، پدیده حفظ زبان است و این زمانی است که اعضای یک جامعه‌ی زبانی تصمیم می‌گیرند به استفاده از زبان آباء و اجدادی خود ادامه دهند. فسولد (Fasold, 1984: 213) تأکید می‌کند که اصولاً حفظ یا نگهداری زبان در جامعه دو یا چند زبانه مفهوم پیدا می‌کند، چراکه در مورد اعضای جامعه‌ای که فقط یک زبان می‌دانند و زبان دیگری را نمی‌آموزند، اصطلاح حفظ زبان معنایی ندارد.

۲-۱- عوامل و شرایط تغییر یا حفظ زبان

بدون شک، عوامل زیادی در تغییر یا حفظ زبان در یک جامعه‌ی زبانی مؤثرند و اغلب زبان‌شناسان به عوامل کمابیش مشابهی در این زمینه اشاره کرده‌اند. زبان‌شناسان عوامل متعددی را در حفظ یا تغییر یک زبان مؤثر می‌دانند که عمده‌ترین آنها، مهاجرت، شهرنشینی، صنعتی شدن، محدودیت‌های اعمال شده از سوی دولت‌ها،

-
1. Language shift
 2. Language death
 3. Language maintenance/ preservice

زبان آموزش و علم‌آموزی در نظام آموزشی کشور، اعتبار اجتماعی زبان‌ها و تعداد گویشوران یک زبان هستند (بشیرنژاد، ۱۳۸۳: ۶۸). از دیگر عوامل مرگ زبان که امروزه در مرکز توجه قرار دارد، پدیده‌ای است که با عنوان جهانی شدن^۱ از آن یاد می‌شود. آفاگل زاده و داوری (۱۳۸۹: ۲۷-۳۱) با اشاره به تأثیر جهانی شدن بر نابودی زبان‌ها، عواملی را برمی‌شمارند که خود بی‌شک از ویژگی‌هایی جدایی‌ناپذیر پدیده جهانی شدن هستند شامل مهاجرت و شهرنشینی، رسانه و نظام آموزشی و در پایان این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کنند که این سه عامل اساسی در کنار برخی مؤلفه‌های دیگر و شاید در رأس آنها، نوع نگرش و سیاست‌های دولت‌ها در قبال زبان‌ها و گویش‌های محلی بیشترین تأثیرگذاری را دارند.

زبان‌شناسان براین باورند که انتخاب و کاربرد یک زبان از بین دو یا چند زبان در درجه نخست تحت تأثیر نگرش‌های زبانی افراد است. یارمحمدی (۱۳۷۴: ۱۷) در این مورد معتقد است که اگر زبانی به عللی وارد قلمرو جامعه زبانی دیگری بشود به طوری که نگرش زبانی آن جامعه را به زبان بومی در جهت منفی قرار دهد، زبان بومی در خطر زوال قرار می‌گیرد.

چنان‌که ملاحظه شد، زبان‌شناسان و مردم‌شناسان به عوامل متعددی در حفظ یا مرگ زبان‌ها اشاره کرده‌اند که برخی از عوامل به‌طور مشترک در نقطه نظرات آنها به چشم می‌خورد. در این بین، عاملی که بسیاری از افراد از ذکر آن غافل مانده و یا اهمیت زیادی برای آن قائل نشده‌اند، نقش آثار ادبی، بویژه شعر، در حفظ و پویایی زبان‌هاست. حق‌شناس (۱۳۶۹: ۱۸) بر این مسأله تأکید می‌ورزد. وی به‌طور صریح می‌گوید: «سال مرگ زبان‌ها را اگر نشود تعیین کرد، باری راز مرگ و راز زایش آنها را شاید بشود و من راز مرگ زبانها را در رکود شعر آن می‌بینم».

۲-۲- نشانه‌ها و شاخص‌های خطرپذیری زبان

بدیهی است که قبل از هر گونه اقدام عملی برای حفظ و نجات زبان‌ها، شناسایی جایگاه

واقعی زبان‌ها در جامعه و آگاهی از میزان خطرپذیری یا ضریب ایمنی آنها ضروری است. اما سؤال این است که چه شرایط و متغیرهایی می‌توانند ضریب ایمنی زبان‌ها را افزایش یا کاهش دهند. در بررسی این عوامل، جامعه‌شناسان زبان به دسته‌بندی برخی متغیرها و عوامل پرداخته‌اند که از آنها با عنوان رده‌شناسی خطرپذیری زبان^۱ نام برده می‌شود و در بررسی این پدیده تقسیم‌بندی‌های خاصی به عمل می‌آورند و از اصطلاحات خاصی برای این دسته‌بندی‌ها استفاده می‌کنند. ردیش (Redish, 2001: 3) زبان‌ها را به سه گروه تقسیم می‌کند. وی زبانی را که هیچ‌گوشور بومی ندارد یک زبان مرده یا خاموش^۲ و زبانی را که در میان نسل جوان و خردسال هیچ‌گوشور بومی ندارد، یک زبان در حال احتضار/رو به زوال^۳ می‌نامد. در نهایت زبانی را که گوشوران بومی آن بسیار اندکند یک زبان در معرض خطر/آسیب‌پذیر^۴ اطلاق می‌کند. کریستال (Crystal, 2000: 23) یک طبقه‌بندی سه‌گانه از آسیب‌پذیری زبان‌ها ارائه می‌دهد که آن را رایج‌ترین طبقه‌بندی می‌داند. در این طبقه‌بندی، زبان‌ها به سه گروه سالم، در معرض خطر و خاموش تقسیم می‌شوند. وی به نقل از مایکل کراس^۵ دسته‌ی زبان‌های در حال احتضار را به این تقسیم‌بندی اضافه می‌کند. منظور از زبان‌های در حال احتضار آنهایی است که دیگر کودکان آن را به‌عنوان زبان مادری نمی‌آموزند.

۳- روش پژوهش

این پژوهش یک مطالعه‌ی میدانی از نوع توصیفی - تحلیلی است که ضمن تجزیه و تحلیل داده‌ها و توصیف واقعیت‌های موجود، به بررسی تأثیر برخی عوامل اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل بر میزان کاربرد گوش بیرجندی در حوزه‌های مختلف به‌عنوان یک متغیر وابسته می‌پردازد.

در این پژوهش علاوه بر روش کتابخانه‌ای، از معمول‌ترین ابزار گردآوری اطلاعات در

-
1. Typology of language endangerment
 2. Extinct language
 3. moribund
 4. Endangered/ imperiled
 5. M. Krauss

روش میدانی، یعنی پرسشنامه و مصاحبه‌های فردی بهره گرفته شده است. حداقل حجم نمونه‌ی انتخابی از بین افراد ساکن در شهر بیرجند بر اساس فرمول آماری کوکران که یکی از پرکاربردترین روش‌ها برای محاسبه حجم نمونه آماری است و نیز با توجه به حجم کل جامعه آماری مورد نظر که در سرشماری سال ۱۳۹۰ برابر با ۲۵۹۵۰۶ نفر برآورد شده است با سطح خطای ۰/۵٪، تعداد ۳۸۴ نفر محاسبه شد که با در نظر گرفتن احتمال به‌دست آمدن پرسشنامه‌های نامعتبر به میزان حداکثری، شمار این تعداد به حداکثر میزان ۶۰۰ نفر افزایش یافت و از مجموع ۶۰۰ پرسش‌نامه توزیعی، تعداد ۴۵۸ پرسش‌نامه معتبر به‌دست آمد که تجزیه و تحلیل آماری بر اساس آن صورت گرفت. پرسش‌نامه‌ها شامل ۳۰ سؤال بسته بین پنج گروه سنی شامل زیر ۲۰ سال، ۲۰-۲۹ سال، ۳۰-۳۹ سال، ۴۰-۴۹ سال و بالای ۵۰ سال، در دو گروه جنسی زن و مرد و گروه‌های تحصیلی مختلف توزیع شدند.

داده‌های جمع‌آوری شده پس از ورود و کدگذاری در نرم‌افزار spss مورد تجزیه و تحلیل توصیفی قرار گرفت. برای این منظور، از یکی از روش‌های رایج در بررسی کاربرد زبان، یعنی روش تحلیل حوزه‌ای استفاده شده است که اولین بار از سوی فیشرمن^۱ در سال ۱۹۶۶ به کار گرفته شد. این روش، کاربرد زبان را با توجه به عواملی مانند مکان، موقعیت، مخاطبان و موضوع صحبت بررسی می‌کند که مجموع آنها یک حوزه را تشکیل می‌دهند. خانواده، مدرسه و دانشگاه، کوچه و بازار و ادارات هر کدام به‌عنوان یک حوزه مستقل در نظر گرفته شده‌اند که تصور می‌رود انتخاب و کاربرد زبان در هر یک از آنها با دیگری متفاوت باشد.

در ادامه، به بررسی و توصیف داده‌های مربوط به کاربرد زبان در حوزه‌های مختلف پرداخته می‌شود.

۴- کاربرد گوش بیرجندی در حوزه‌های مختلف

۴-۱- حوزه‌ی خانواده

بدون شک، خانواده اولین و مهم‌ترین جایگاه برای زبان‌آموزی است و مسلماً زبان اول یا همان زبان مادری فرد در این محیط شکل می‌گیرد. معمولاً زبانی که یک کودک در خانواده فرا می‌گیرد همان زبانی است که پدر، مادر و دیگر اعضای خانواده به‌وسیله آن با او ارتباط برقرار می‌کنند. در سال‌های اخیر، برخی از والدین بیرجندی در برقراری ارتباط با کودکان از زبان فارسی رسمی استفاده می‌کنند و این در حالی است که در ارتباطات بین خود از گوش بیرجندی استفاده می‌نمایند. این مسأله موجب رواج دو زبانی در بین خانواده‌های بیرجندی شده است. در عین حال، میزان کاربرد زبان فارسی از یک سو و کاربرد گوش بیرجندی از سوی دیگر، ممکن است از خانواده‌ای به خانواده دیگر، و در یک خانواده واحد، از فردی به فرد دیگر متفاوت باشد. برای آگاهی از تعداد افرادی که گوش بیرجندی را به‌عنوان زبان اول آموخته‌اند، از کل آزمودنی‌های پنج گروه سنی در این مورد سؤال به‌عمل آمد. در جدول ۱ درصد و فراوانی افرادی که فارسی و بیرجندی را به‌عنوان زبان اول آموخته‌اند به تفکیک گروه سنی می‌بینید.

جدول ۱) میزان فراگیری فارسی و گوش بیرجندی به‌عنوان زبان اول در کل جمعیت نمونه به تفکیک سن

سن	بیرجندی		فارسی		سایر		مجموع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
زیر ۲۰ سال	۴۱	٪۳۲/۸	۸۳	٪۶۶/۴	۱	٪۰/۸	۱۲۵	٪۱۰۰
۲۰-۲۹ سال	۵۶	٪۵۴/۴	۴۵	٪۴۳/۷	۲	٪۱/۹	۱۰۳	٪۱۰۰
۳۰-۳۹ سال	۵۵	٪۷۵/۳	۱۸	٪۲۴/۷	۰	-	۷۳	٪۱۰۰
۴۰-۴۹ سال	۶۲	٪۸۲/۷	۱۱	٪۱۴/۷	۲	٪۲/۷	۷۵	٪۱۰۰
بالای ۵۰ سال	۷۱	٪۸۹/۹	۸	٪۱۰/۱	۰	-	۷۹	٪۱۰۰

در گروه سنی بالای ۵۰ سال، تنها ۱۰/۱ درصد فارسی را به‌عنوان زبان اول در خانواده آموخته‌اند، در حالی که این رقم در گروه سنی ۳۰-۳۹ سال به ۲۴/۷ درصد و در گروه سنی زیر ۲۰ سال به ۶۶/۴ درصد می‌رسد. بنابراین، هرچه به سوی گروه‌های سنی جوان‌تر می‌رویم، گرایش به فراگیری گوش بیرجندی به‌عنوان زبان مادری کمتر می‌شود.

یعنی در یک فاصله زمانی ۳۰ تا ۴۰ سال، تعداد افرادی که فارسی زبان اول آنهاست، تقریباً ۶ برابر شده است. این موضوع، بیانگر رواج آموزش زبان فارسی به عنوان زبان مادری در بین خانواده‌های بیرجندی است.

اولین زبانی که فرد در محیط خانواده می‌آموزد، زبان اول فرد به حساب می‌آید اما الزاماً زبان مادری او نیست، زیرا ممکن است فرد به زبان مادری تسلط کمتری داشته باشد. میزان تسلط افراد، معیاری مهم در حفظ زبان مادری است. از این‌رو از افراد پنج گروه سنی پرسیده شد، "تسلط خود را به گویش بیرجندی چگونه ارزیابی می‌کنید؟" ارقام به دست آمده در جدول ۲ نشان داده شده‌اند.

جدول ۲) درصد و فراوانی میزان تسلط بر گویش بیرجندی در کل جمعیت نمونه به تفکیک گروه سنی

سن	خیلی زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		مجموع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
زیر ۲۰ سال	۱۹	٪۱۵/۶	۴۱	٪۳۳/۶	۲۳	٪۱۸/۹	۲۳	٪۱۸/۹	۱۲۲	٪۱۰۰
۲۰-۲۹ سال	۲۲	٪۲۱/۴	۳۲	٪۳۱/۱	۱۳	٪۱۲/۶	۱۴	٪۱۳/۴	۱۰۳	٪۱۰۰
۳۰-۳۹ سال	۲۱	٪۲۹/۲	۴۳	٪۴۷/۲	۱۲	٪۲/۸	۳	٪۴/۲	۷۲	٪۱۰۰
۴۰-۴۹ سال	۱۸	٪۲۳/۷	۳۳	٪۴۳/۴	۱۶	٪۵/۳	۵	٪۶/۶	۷۶	٪۱۰۰
بالای ۵۰ سال	۴۴	٪۵۵	۷۱	٪۲۱/۳	۱۵	٪۲/۵	۲	٪۲/۵	۸۰	٪۱۰۰
مجموع	۱۲۴	٪۲۷/۴	۱۲۲	٪۳۶/۹	۱۱۶	٪۲۵/۶	۴۴	٪۱۰/۴	۴۵۳	٪۱۰۰

ارقام این جدول نشان می‌دهد که هر چند اکثریت آزمودنی‌ها بیان داشته‌اند که تسلط زیاد یا خیلی زیادی به گویش بیرجندی دارند اما از میان ۱۲۴ آزمودنی که تسلط خیلی زیادی به گویش بیرجندی دارند، گروه سنی زیر ۲۰ سال با ۱۵/۶ درصد در میان دیگر گروه‌های سنی به نسبت گروه سنی بالای ۵۰ سال با ۵۵ درصد تسلط بسیار کمتری به گویش بیرجندی دارند. لذا با توجه به عامل سن، می‌توان دریافت که غلبه زبان فارسی در حال افزایش است.

در کنار دو معیار ذکر شده، یعنی "اولین زبان فراگرفته شده" و "میزان تسلط بر گویش بیرجندی و زبان فارسی"، برای تعیین غلبه زبانی از افراد سؤال شد: "آیا شما به گویش بیرجندی بهتر می‌توانید مقصودتان را بیان کنید؟" نتایج استخراج شده نشان می‌دهد که افراد گروه اول بیشتر از افراد گروه دوم، و افراد گروه دوم نیز بیشتر از افراد

گروه سوم، برای این منظور از زبان فارسی سود می‌جویند. در جدول ۳ درصد افرادی که به گوش بیرجندی راحتتر مقصودشان را بیان می‌کنند، در هر پنج گروه سنی نشان داده شده است.

جدول ۳) نگرش پاسخگویان به گوش بیرجندی برای بیان راحتتر مقصود به تفکیک جنسیت و گروه سنی

گروه سنی	زیر ۲۰ سال		۲۰-۲۹ سال		۳۰-۳۹ سال		۴۰-۴۹ سال		بالای ۵۰ سال		مجموع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
مرد	۲	۳/۲٪	۱۱	۲۲٪	۱۳	۳۹/۴٪	۴	۱۰/۵٪	۲۰	۵۲/۶٪	۵۰	۲۲/۶٪
زن	۷	۱۱/۱٪	۵	۹/۳٪	۱۱	۲۷/۵٪	۸	۲۱/۱٪	۲۴	۵۷/۱٪	۵۵	۲۳/۲٪

در گروه سنی زیر ۲۰ سال در این مورد نیز گرایش به فارسی در هر دو گروه جنسیتی مشهود است. در حالی که درصد نسبتاً زیادی (۵۲ درصد از مردان و ۵۷ درصد از زنان) از افراد بالای ۵۰ سال با گوش بیرجندی راحتتر مقصودشان را بیان می‌کنند. این روند از گروه سنی پایین تا گروه‌های سنی بالاتر دنبال می‌شود با این استثناء که در گروه سنی ۴۰-۴۹ سال می‌بینیم درصد افرادی که با گوش بیرجندی راحتتر مقصودشان را بیان می‌کنند، کاهش چشمگیری داشته چنان‌که در گروه‌های سنی ۲۰-۲۹ سال و ۳۰-۳۹ سال شاهد روند کاهشی چشمگیری مانند گروه سنی ۴۰-۴۹ سال نیستیم. اما آن‌چه مشهود است در گروه‌های سنی پایین‌تر این گرایش بسیار کاهش یافته است. علاوه بر زبان اول، از پرسش شونده‌گان در مورد کاربرد زبان در برقراری ارتباط با اعضای خانواده یا خویشان سؤال شد. این اعضا می‌توانند پدر، مادر، فرزندان، برادر و یا خواهر در محیط خانواده، و یا عمه، خاله، عمو، دایی، پدر بزرگ، مادر بزرگ، یا بچه‌های اقوام در یک جشن یا مهمانی خانوادگی باشند. فراوانی و درصد افرادی که در ارتباطات خانوادگی از بیرجندی بیشتر استفاده می‌کنند به تفکیک مخاطبان در جدول ۴ آمده است: چنان‌که ملاحظه می‌شود، بالاترین میزان کاربرد گوش بیرجندی توسط آزمودنی‌ها در حوزه خانواده با پدر و مادر (۴۶/۸٪) می‌باشد. در مجموع کاربرد گوش بیرجندی بر حسب سن مخاطب اندکی متغیر است، به طوری که بین سن مخاطب و میزان کاربرد بیرجندی رابطه نسبتاً مستقیمی وجود دارد. بیشترین میزان کاربرد گوش بیرجندی در برقراری

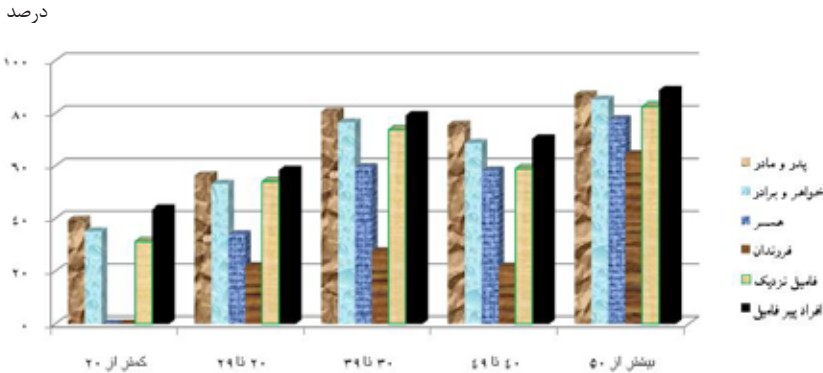
ارتباط با پدر و مادر و مسن‌ترین اعضای خویشان یعنی افراد پیر اقوام (به ترتیب ۴۶/۸ درصد و ۴۴/۲ درصد) و کمترین میزان کاربرد گویش در برقراری ارتباط با فرزندان (۲۵/۴ درصد) می‌باشد.

جدول ۴) میزان کاربرد بیرجندی در حوزه خانواده در کل جمعیت نمونه بر حسب مخاطب

زبان / مخاطبان	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		مجموع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
پدر و مادر	۵۶	٪۱۲/۵	۴۲	٪۹/۴	۶۴	٪۱۴/۳	۷۷	٪۱۷/۱	۳۱۰	٪۴۶/۸	۴۴۹	٪۱۰۰
خواهر و برادر	۶۸	٪۱۵	۴۳	٪۹/۵	۷۰	٪۱۵/۵	۸۴	٪۱۸/۶	۱۸۷	٪۴۱/۴	۴۵۲	٪۱۰۰
همسر	۳۷	٪۱۲/۳	۴۰	٪۱۳/۳	۵۴	٪۱۷/۸	۵۵	٪۱۸/۲	۱۱۷	٪۳۸/۶	۳۰۳	٪۱۰۰
فرزندان	۵۸	٪۲۰/۵	۷۲	٪۲۵/۴	۵۵	٪۱۹/۴	۲۶	٪۹/۳	۷۲	٪۲۵/۴	۲۸۳	٪۱۰۰
فامیل نزدیک (دایی، خاله...)	۶۶	٪۱۴/۷	۵۴	٪۱۲	۷۴	٪۱۶/۵	۸۹	٪۱۹/۸	۱۶۶	٪۳۷	۴۴۹	٪۱۰۰
افراد پیر فامیل	۵۷	٪۱۲/۷	۴۰	٪۸/۹	۶۰	٪۱۳/۴	۹۳	٪۲۰/۸	۱۹۸	٪۴۴/۲	۴۴۸	٪۱۰۰

همان‌گونه که سن مخاطب در انتخاب و کاربرد نوع زبان مؤثر است، سن آزمودنی‌ها نیز می‌تواند در میزان کاربرد زبان نقش داشته باشد. برای اطمینان از این موضوع، این بار کاربرد زبان در حوزه خانواده در پنج گروه سنی جداگانه بررسی شد. نتایج حاصله در نمودار ۱ به نمایش در آمده است. با نگاهی گذرا به درصدهای مربوط به بالاترین میزان کاربرد بیرجندی در پنج گروه سنی، مشخص است که بیشترین درصد کاربرد بیرجندی با همه مخاطبان به گروه سنی بالای ۵۰ سال مربوط می‌شود و کمترین درصد را در جوانترین گروه شاهدیم. آنچه روشن است این است که کاربرد گویش بیرجندی در میان گروه سنی زیر ۲۰ سال و ۲۹-۲۰ سال در مقایسه با دیگر گروه‌های سنی کاهش یافته است. هر چند علاوه بر آن، در هر گروه سنی میزان کاربرد گویش بیرجندی تابعی از سن مخاطب است به طوری که بیشترین میزان کاربرد بیرجندی در برخورد با مسن‌ترین مخاطبان، یعنی افراد پیر خویشان و پدر و مادر است. خانواده و بویژه والدین نقش تعیین‌کننده‌ای در زبان‌آموزی کودک دارند. چنان‌که می‌بینید حدود ۶۰ درصد از والدین بالای ۵۰ سال بیان داشته‌اند که با فرزندان خود بیرجندی صحبت می‌کنند در حالی که در گروه سنی میانی (۳۰-۳۹ سال) این رقم کمی بالاتر از ۲۰ درصد است. تصور می‌شود با گذشت زمان این رقم کاهش یابد، زیرا در واقع به لحاظ درصدی، هیچ

آزمودنی از افراد جوان (زیر ۲۰ سال) قصد ندارند در آینده با فرزندان خود به گویش بیرجندی صحبت نمایند. بنابراین تمامی شواهد موجود از آن حکایت دارند که میزان فراگیری و کاربرد گویش بیرجندی در حوزه خانواده رو به کاهش و در مقابل، فراگیری و کاربرد فارسی رو به افزایش است.



نمودار ۱) درصد کاربرد گویش بیرجندی در ارتباطات سن و برحسب مخاطب

۴-۲- حوزه مدرسه

پس از خانواده، مدرسه از مهم‌ترین نهادها برای آموزش زبان به کودکان است. در مدارس کشورمان، فارسی به‌عنوان زبان آموزش به‌کار می‌رود و زبان‌های محلی در مدارس مناطق مختلف ممکن است نقش‌های متفاوتی را در کنار زبان فارسی به‌عهده داشته باشند. برای نمونه، در مناطق آذری زبان و کرد زبان کشورمان حضور زبان‌ها و گویش‌های محلی در حوزه مدرسه به نسبت پررنگ است و این زبان‌ها غالباً وسیله برقراری ارتباط میان دانش‌آموزان و معلمان هستند. در مقابل در استان و شهر ما، گویش‌های محلی در حوزه مدرسه در حاشیه قرار دارند و فارسی علاوه بر این که زبان آموزش است، به‌نظر می‌رسد غالب‌ترین وسیله ارتباطی میان معلمان و دانش‌آموزان نیز می‌باشد.

در گذشته‌ای نه چندان دور (شاید سه یا چهار دهه قبل) در بیرجند، اکثر فرزندان قبل از سن مدرسه، گویش بیرجندی را به‌عنوان زبان اول می‌آموختند، هر چند که به فارسی هم تسلط نسبی داشتند. در واقع، فراگیری کامل زبان فارسی به‌عنوان زبان دوم

با ورود به مدرسه آغاز می‌شد، اما در زمان حاضر بسیاری از خانواده‌ها از همان ابتدا تلاش می‌کنند که فرزندان‌شان در حوزه خانواده، فارسی را به‌عنوان زبان اول بیاموزند، احتمالاً با این تصور که فرزندان‌شان با تسلط به زبان فارسی در حوزه مدرسه مشکلات کمتر و موفقیت بیشتری داشته باشند.

برای کسب اطلاعات دقیق‌تر از میزان کاربرد فارسی و بیرجندی در حوزه مدرسه، از آزمودنیها در مورد نوع گونه زبانی مورد استفاده در مدرسه و دانشگاه پرسش به عمل آمد. برای این منظور در ابتدا، آزمودنی‌های گروه‌های سنی زیر ۲۰ سال و ۲۰ تا ۲۹ سال که در حال حاضر در سن مدرسه و دانشگاه هستند، در نظر گرفته شد. جدول ۵ درصد و فراوانی میزان کاربرد بیرجندی را در این دو گروه سنی نشان می‌دهد.

جدول ۵) میزان کاربرد گویش بیرجندی در حوزه مدرسه و دانشگاه

در گروه‌های سنی زیر ۲۰ سال و ۲۰-۲۹ سال

سن	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
زیر ۲۰ سال	۱۲۳	٪۴/۱	۵	٪۵/۷	۷	٪۲۰/۳	۲۵	٪۲۰/۳	۶۱	٪۴۹/۶
۲۰-۲۹ سال	۱۰۱	٪۱۰۰	۵	٪۵	۴	٪۴	۱۵	٪۱۴/۹	۴۹	٪۴۸/۵

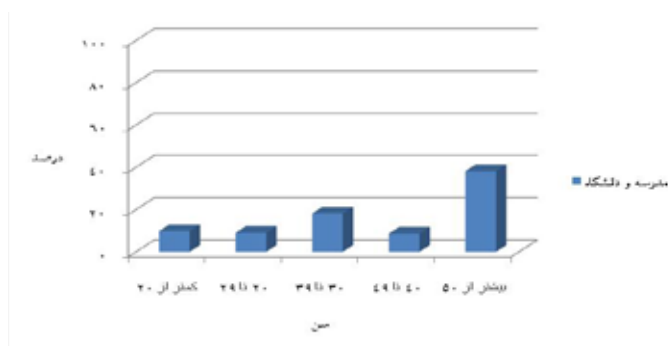
همان‌طور که در جدول فوق مشخص است، می‌بینیم که درصد زیادی از آزمودنی‌ها اظهار داشته‌اند که به میزانی خیلی کم گویش بیرجندی را در محیط مدرسه و دانشگاه استفاده می‌کنند و این امر به این معنی است که بیشتر از زبان فارسی در محیط مدرسه یا دانشگاه بهره می‌برند. برای بررسی میزان تغییر در کاربرد زبان فارسی در حوزه مدرسه، عامل سن مورد توجه قرار گرفت و از گروه‌های سنی دیگر نیز این سؤال پرسیده شد و برای پاسخگویان این موضوع روشن شد که برای پاسخ به این سؤال زمان تحصیل خود را در نظر بگیرند و یا در بسیاری از موارد آزمودنی‌های گروه‌های سنی بالاتر از کارکنان مدرسه یا دانشگاه بودند، که میزان کاربرد گویش بیرجندی توسط آنها در این مکان‌ها در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶) میزان کاربرد گوش بیرجندی در حوزه مدرسه و دانشگاه در دیگر

گروه های سنی در کل جمعیت نمونه

سن	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		مجموع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
سال ۳۰-۳۹	۱۵	٪۲۲/۷	۱۵	٪۲۲/۷	۲۴	٪۳۶/۴	۶	٪۹/۷	۶	٪۹/۱	۶۶	٪۱۰۰
سال ۴۰-۴۹	۵	٪۲۱/۷	۲۸	٪۴۰/۶	۲۰	٪۲۹	۳	٪۴/۳	۳	٪۴/۳	۶۹	٪۱۰۰
بالای ۵۰ سال	۸	٪۱۴/۵	۱۲	٪۲۱/۸	۱۴	٪۲۵/۵	۵	٪۹/۱	۱۶	٪۲۹/۱	۵۵	٪۱۰۰
کل جمعیت	۱۴۸	٪۳۵/۷	۱۰۸	٪۲۶/۱	۹۸	٪۲۳/۷	۵۲	٪۶	۳۵	٪۸/۵	۴۱۴	٪۱۰۰

می بینیم که در میان گروه های سنی بالاتر، درصد افرادی که اظهار داشته اند که به میزانی خیلی کم گوش بیرجندی را در محیط مدرسه و دانشگاه استفاده می کنند یا می کردند، به میزان قابل توجهی کاهش یافته است و این امر نشان می دهد که عامل سن در تغییر کاربرد زبان فارسی به جای گوش بیرجندی در میان آزمودنی ها تأثیرگذار است و با کاهش سن، شاهد کاربرد بیشتر زبان فارسی در محیط مدرسه یا دانشگاه هستیم. در نمودار ۲ می توانید برای مقایسه بهتر، میزان کاربرد گوش بیرجندی در حوزه مدرسه و دانشگاه را به تفکیک گروه سنی ببینید.



نمودار ۲) میزان کاربرد گوش بیرجندی در حوزه مدرسه و دانشگاه به تفکیک گروه سنی

۴-۳- حوزه اداری

به غیر از مدارس، برخی مکان‌های رسمی دیگر نیز وجود دارند که آنها را حوزه اداری اطلاق می‌کنیم. این حوزه می‌تواند مکان‌هایی مانند ادارات، سازمان‌ها یا مطب پزشکی را شامل شود. مخاطبان در این حوزه می‌توانند کارمندان ادارات، پزشک، یا منشی پزشک باشند. این حوزه اگر چه به مانند حوزه مدرسه یک حوزه رسمی است اما در اماکن اداری، برخلاف اماکن آموزشی الزام خاصی برای کاربرد زبان رسمی (فارسی) وجود ندارد. با وجود این، بررسی‌ها نشان می‌دهند که میزان کاربرد زبان فارسی در این حوزه به‌طور نسبی بالاست. برای به‌دست آوردن کاربرد فارسی و بیرجندی در حوزه اداری، از آزمودنی‌ها پرسیده شد که در مکان‌های چون محل کار، ادارات و مکان‌های رسمی و مطب پزشک به چه میزان از گویش بیرجندی استفاده می‌کنند؟ و برای دستیابی به درصد کاربرد گویش بیرجندی، از مجموع سؤال‌های فوق استفاده و میانگین گرفته شده است. نتایج حاصله در جدول ۷ به نمایش درآمده است.

جدول ۷) میزان کاربرد گویش بیرجندی در حوزه اداری بر حسب گروه سنی و کل جمعیت نمونه

سن	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		مجموع	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
زیر ۲۰ سال	۸٪	۱	۴۱٪	۵	۶۶٪	۸	۳۱٪	۳۸	۵۷٪	۷۰	۱۲۲	٪۱۰۰
۲۰-۲۹ سال	۲۹٪	۳	۶۹٪	۷	۹۸٪	۱۰	۲۳٪	۲۴	۵۶٪	۵۸	۱۰۲	٪۱۰۰
۳۰-۳۹ سال	۵۶٪	۴	۱۲٪	۹	۲۸٪	۲۰	۳۲٪	۲۳	۲۱٪	۱۵	۷۱	٪۱۰۰
۴۰-۴۹ سال	۴۱٪	۳	۲۷٪	۲	۲۳٪	۱۷	۴۱٪	۳۱	۲۸٪	۲۱	۷۴	٪۱۰۰
بالای ۵۰ سال	۲۵٪	۲۰	۱۶٪	۱۳	۲۷٪	۲۲	۲۱٪	۱۷	۱۰٪	۸	۸۰	٪۱۰۰
مجموع	۶۹٪	۳۱	۸٪	۳۶	۱۷٪	۷۷	۲۹٪	۱۳۳	۳۸٪	۱۷۲	۴۴۹	٪۱۰۰

همان‌طور که از جدول فوق مشخص است، پر واضح است که درصد کاربرد گویش بیرجندی به میزان زیاد در حوزه اداری در چهار گروه سنی زیر ۲۰ سال، ۲۰-۲۹ سال، ۳۰-۳۹ سال و ۴۰-۴۹ سال به مراتب کمتر از درصد کاربرد گویش به میزان کم است. سن آزمودنی‌ها می‌تواند در میزان کاربرد گویش بیرجندی در این حوزه مؤثر باشد. در این حوزه به مانند سایر حوزه‌های مورد بررسی، گروه‌های سنی جوان‌تر بیشتر از گروه‌های سنی بالا

گرایش به کاربرد زبان فارسی دارند، اما نکته قابل تأمل اینجاست که باز هم می‌بینیم با در نظر گرفتن مجموع میزان‌های زیاد و خیلی زیاد کاربرد گوش بیرجندی، این درصد در گروه سنی ۳۰-۳۹ سال (حدود ۱۸ درصد) به نسبت گروه سنی ۴۰-۴۹ سال (حدود ۶ درصد) بیشتر است. به عبارت دیگر، در این حوزه نیز شاهد این تناقض در بین این دو گروه سنی هستیم که به نظر می‌رسد توجیه این امر نیازمند بررسی‌های دقیق‌تری است. اما به طور کلی مشخص است که میزان بالای کاربرد فارسی توسط آزمودنی‌های چهار گروه سنی زیر ۲۰ سال، ۲۰-۲۹ سال، ۳۰-۳۹ سال و ۴۰-۴۹ سال در حوزه اداری نشان دهنده گرایش به استفاده از زبان فارسی در موقعیت‌های رسمی است و این امر، تابعی از جایگاه و طبقه اجتماعی مخاطبان حاضر در این حوزه می‌باشد. در مجموع می‌توان گفت در این حوزه، میزان کاربرد فارسی بیش از میزان کاربرد آن در یک حوزه غیررسمی مانند خانواده است.

۴- حوزه کوچه و بازار

هر مکانی خارج از خانه، مدرسه یا اداره را اصطلاحاً حوزه "کوچه و بازار" مینامیم. مسلماً چنین حوزه‌های بسیار وسیع و گسترده است و مکان و مشارکان حاضر در آن نیز متنوع و متفاوتند. این حوزه با حوزه خانواده و مدرسه تفاوت‌های اساسی دارد. افراد حاضر در خانواده و مدرسه معمولاً محدود و ثابت‌اند و رابطه نزدیکی بین آنها برقرار است. افراد معمولاً از عادت‌های زبانی یکدیگر آگاهی داشته و نوع زبان بر اساس عادت و تجربه قبلی انتخاب می‌شود. در مقابل، در حوزه کوچه و بازار با افراد گوناگون از حیث جنسیت، گروه سنی، شغل و طبقه اجتماعی و در نتیجه، روابط بسیار متنوع‌تر و پیچیده‌تر سروکار داریم و معمولاً نوع زبانی که افراد به کار می‌برند برای ما قابل پیش‌بینی نیست. به همین دلیل انتخاب زبان در این حوزه وسیع می‌تواند بر حسب موقعیت و مخاطب متنوع باشد. زبانی که افراد در طول روز به هنگام سخن گفتن با هم محله‌ای‌ها و همسایه‌ها در محل زندگی‌شان، با یک فرد ناشناس در خیابان، با یک مغازه‌دار در مرکز شهر، با راننده تاکسی یا اتوبوس، استفاده می‌کنند ممکن است متفاوت باشد. برای آگاهی از وضعیت کاربردی دو زبان در

موقعیت‌های ذکر شده، به بررسی انتخاب و کاربرد زبان در موقعیت‌های مختلف این حوزه می‌پردازیم.

به منظور بررسی و تأثیر مخاطب بر میزان کاربرد گویش بیرجندی، از آزمودنی‌ها در هر پنج گروه سنی سؤال شد که با مخاطبان متفاوت به چه میزان به بیرجندی صحبت می‌کنند. از کل جمعیت نمونه ۲۵/۳ درصد از افراد پرسش‌شونده با دوستان خود و ۲۴/۵ درصد با همسایه‌ها و هم محلی‌های خود خیلی زیاد بیرجندی صحبت می‌کنند. همین افراد در یک موقعیت رسمی تر و با یک مخاطب متفاوت، بویژه ناشناس، به میزان بیشتری از زبان فارسی استفاده می‌کنند. برای نمونه تنها ۸/۶ درصد از این افراد بیان داشته‌اند که با یک جوان ناشناس هنگام پرسیدن نشانی به میزان خیلی زیادی بیرجندی صحبت می‌کنند و ۴۰/۲ درصد گفته‌اند که به میزانی خیلی کم هنگام پرسیدن نشانی از یک جوان ناشناس، بیرجندی صحبت می‌کنند. همین افراد اگر بخواهند از یک فرد مسن ناشناس نشانی بپرسند، بالاترین میزان کاربرد بیرجندی در میان آنها ۱۸/۹ درصد است. در ضمن ۱۳/۷ درصد از آنها گفته‌اند که با راننده تاکسی یا اتوبوس خیلی زیاد به بیرجندی صحبت می‌کنند. این درصدها به همراه فراوانی آن در جدول ۸ نمایش داده شده‌اند.

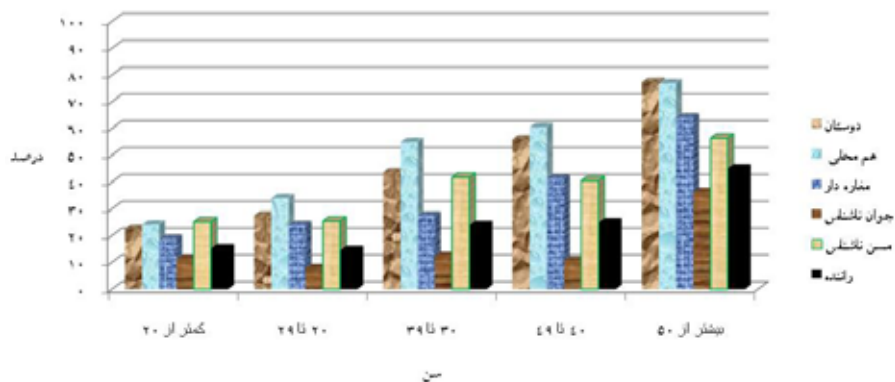
جدول ۸) میزان کاربرد بیرجندی در حوزه کوچه و بازار در کل جمعیت نمونه بر حسب مخاطب

زبان / مخاطبان	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		مجموع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
دوستان	۸۲	٪۱۸/۳	۷۴	٪۱۶/۶	۱۰۲	٪۲۲/۸	۷۶	٪۱۷	۱۱۳	٪۲۵/۳	۴۴۷	٪۱۰۰
همسایه‌ها و هم محلی‌ها	۸۱	٪۱۸	۵۴	٪۱۲	۱۰۵	٪۲۳/۴	۹۹	٪۲۲	۱۱۰	٪۲۴/۵	۴۴۹	٪۱۰۰
مفازهدار	۹۸	٪۲۲/۱	۸۱	٪۱۸/۲	۱۱۸	٪۲۶/۶	۵۹	٪۱۳/۳	۸۸	٪۱۹/۸	۴۴۴	٪۱۰۰
یک جوان ناشناس هنگام پرسیدن نشانی	۱۸۲	٪۴۰/۲	۱۲۲	٪۲۶/۹	۸۱	٪۱۷/۹	۲۹	٪۶/۴	۳۹	٪۸/۶	۴۵۳	٪۱۰۰
یک فرد مسن هنگام پرسیدن نشانی	۱۱۰	٪۲۴/۵	۸۰	٪۱۷/۸	۹۸	٪۲۱/۸	۷۶	٪۱۶/۹	۸۵	٪۱۸/۹	۴۴۹	٪۱۰۰
راننده تاکسی یا اتوبوس	۵۷	٪۱۲/۷	۴۰	٪۸/۹	۶۰	٪۱۳/۴	۹۳	٪۲۰/۸	۱۹۸	٪۴۴/۲	۴۴۸	٪۱۰۰

میزان کاربرد گویش بیرجندی به میزان خیلی کم در برخورد با فرد جوان ناشناس (۴۰/۲ درصد) در مقایسه با همین میزان در برخورد با یک فرد مسن ناشناس (۲۴/۵ درصد)، به‌طور تلویحی می‌رساند که افراد در برخورد با یک فرد جوان در مقایسه با یک فرد مسن، خیلی کمتر از گویش بیرجندی بهره می‌برند. این امر بیانگر این حقیقت

است که افراد در انتخاب نوع زبان علاوه بر موقعیت اجتماعی مخاطب، به سن او نیز توجه می‌کنند. در ضمن این مسأله نشان می‌دهد که گویشوران فارسی را عمدتاً افراد جوان تشکیل می‌دهند و افراد با در نظر داشتن این واقعیت و با این تصور که مخاطب جوان آنها به سبب اعتبار فارسی، کاربرد آن را ترجیح می‌دهد، با او به این زبان صحبت می‌کنند. در مجموع، کمترین میزان کاربرد بیرجندی در برخورد با یک فرد مسن ناشناس و فرد جوان ناشناس است و بیشترین میزان کاربرد بیرجندی در برخورد با راننده تاکسی و اتوبوس و دوستان و هم محلی‌ها است. به نظر می‌رسد که باز سن مخاطب، موقعیت اجتماعی و سابقه آشنایی قبلی از عوامل تعیین‌کننده در کاربرد فارسی باشند.

در این حوزه نیز، برای بررسی تأثیر سن آزمودنی‌ها در میزان کاربرد گوش بیرجندی، کاربرد این گوش در حوزه کوچه و بازار در پنج گروه سنی جداگانه بررسی شد. همان طوری که سن مخاطب در میزان کاربرد گوش بیرجندی مؤثر است و کمترین میزان کاربرد بیرجندی در گفتگو با جوان ناشناس می‌باشد، سن خود کاربران نیز می‌تواند در میزان استفاده از کاربرد بیرجندی در این حوزه تعیین‌کننده باشد. داده‌ها نشان دهنده آن است که در گروه‌های جوان‌تر، میزان کاربرد گوش بیرجندی دارای کمترین میزان به لحاظ درصدی است. ملاحظه می‌شود که هر چه به گروه‌های سنی بالاتر می‌رویم، میزان کاربرد بیرجندی در تقریباً تمامی زمینه‌ها در حوزه کوچه و بازار افزایش می‌یابد. نمودار ۳ مقایسه میزان کاربرد گوش بیرجندی در حوزه کوچه و بازار را در پنج گروه سنی آسان‌تر می‌سازد.



نمودار ۳) درصد کاربرد گوشی بی‌سیم در حوزه کوچه و بازار برحسب سن و مخاطب

۵- مقایسه میزان کاربرد گوشی بی‌سیم در چهار حوزه کاربردی

در این پژوهش میانگین گوشی بی‌سیم در هر حوزه در کل جمعیت نمونه محاسبه شده و برای مقایسه بهتر این ارقام در جدول زیر در کنار هم آمده است:

جدول ۹) مقایسه میانگین درصد کاربرد بی‌سیم در حوزه‌های مختلف

کوچه و بازار	اداره	مدرسه	خانواده	
۵۷/۴	۳۵/۵	۲۵/۵	۷۶/۲	درصد کاربرد بی‌سیم

داده‌های این جدول تأیید می‌کنند که در مجموع کاربرد بی‌سیم در حوزه خانواده بیش از سایر حوزه‌هاست، چرا که میانگین کاربرد بی‌سیم در حوزه خانواده تقریباً ۶۷ درصد است. این در حالی است که در حوزه‌هایی مانند مدرسه و اداره که از رسمیت بیشتری برخوردارند، کاربرد فارسی بسیار بیشتر از گوشی بی‌سیم است.

خلاصه و نتیجه‌ی بحث

بررسی‌ها نشان می‌دهند که امروزه زبان فارسی در کنار گویش بیرجندی در اکثر خانواده‌های بیرجندی کاربرد دارد و با گذشت زمان نقش بیشتری پیدا می‌کند و کاربردهای آن رو به افزایش است. در حوزه خانواده در گروه سنی زیر ۲۰ سال اکثریت (۶۶/۴ درصد) فارسی را به‌عنوان زبان اول می‌آموزند، در حالی که در گروه سنی بالای ۵۰ سال، تنها ۱۰/۱ درصد فارسی را به‌عنوان زبان اول در خانواده آموخته‌اند، یعنی در یک فاصله زمانی ۳۰ تا ۴۰ سال، تعداد افرادی که فارسی زبان اول آنهاست، تقریباً ۶ برابر شده است. این موضوع، بیانگر رواج آموزش زبان فارسی به‌عنوان زبان مادری در بین خانواده‌های بیرجندی است. ادامه این روند به معنی عقب‌نشینی گویش بیرجندی از حوزه خانواده و غلبه فارسی در این حوزه است. این بدان معنی است که تعداد گویشوران فارسی در سنین پایین‌تر بیشترند. این موضوع از این جهت قابل توجه است که اصولاً زبانی که کودک به‌عنوان زبان مادری خود در سال‌های اولیه تولد در خانواده می‌آموزد مسلماً در تمام طول عمر و در تمامی موقعیت‌ها و حوزه‌ها، زبان مورد استفاده او باقی خواهد ماند، بویژه زمانی که این زبان در محیط بیرون از خانواده از یک موقعیت برتر و اعتبار بالاتر برخوردار بوده و زبان آموزشی نیز باشد.

علاوه بر آن تنها حدود ۱۵ درصد از افراد زیر ۲۰ سال بیان داشته‌اند که تسلط خوبی به گویش بیرجندی دارند. لذا با توجه به عامل سن می‌توان دریافت که غلبه زبان فارسی به‌سرعت در حال افزایش است. در مورد کاربرد زبان در برقراری ارتباط با اعضای خانواده یا خویشان، بیشترین میزان کاربرد گویش بیرجندی در برقراری ارتباط با پدر و مادر و مسن‌ترین اعضای خویشان یعنی افراد پیر خویشان (به ترتیب ۴۶/۸ درصد و ۴۴/۲ درصد) و کمترین میزان کاربرد گویش در برقراری ارتباط با فرزندان (۲۵/۴ درصد) می‌باشد. ارقام موجود پیرامون کاربرد گویش بیرجندی و زبان فارسی در مدرسه و دانشگاه گویای این واقعیت‌اند که در این حوزه نیز با کاهش سن، آزمون‌دهی‌ها بیشتر از زبان فارسی در ارتباطات خود بهره می‌برند. حوزه اداری یک حوزه رسمی دیگر است که اگر چه به مانند حوزه مدرسه الزام خاصی برای کاربرد فارسی در آن وجود ندارد، اما به

خاطر رسمیت این حوزه، میزان کاربرد فارسی در آن به طور نسبی بالاست. حوزه مورد بررسی دیگر حوزه کوچه و بازار است که به نسبت مدرسه و اداره از رسمیت کمتر و در مقابل از وسعت و گستردگی بیشتری برخوردار است. کاربرد زبان در این حوزه نیز تحت تأثیر ویژگی‌های گوینده یا سن، جنسیت، شغل یا طبقه اجتماعی مخاطب است. داده‌ها نشان دهنده آن است که در گروه‌های جوان‌تر میزان کاربرد گویش بیرجندی دارای کمترین میزان به لحاظ درصدی است. ملاحظه می‌شود که هر چه به گروه‌های سنی بالاتر می‌رویم، میزان کاربرد بیرجندی در تمامی زمینه‌ها در حوزه کوچه و بازار افزایش می‌یابد. بنابراین، در همه حوزه‌ها می‌بینیم که کاربرد گویش بیرجندی رو به کاهش است و مشخص شد که تقریباً در تمام موارد، جوانان بیش از افراد میان‌سال و مسن‌گرایش به کاربرد فارسی دارند. با در نظر گرفتن این موضوع که همین جوانان به‌عنوان والدین آینده، تصمیم‌گیری در مورد زبان نسل بعد را برعهده دارند و مهم‌تر از آن، کار عمده‌ی زبان‌آموزی در خانواده بر عهده مادران است، اهمیت مسأله بیشتر روشن می‌شود.

با توجه به نتایج به‌دست آمده از پژوهش حاضر، روشن است که وضعیت کاربردی گویش بیرجندی در میان نسل جوان از وضعیت خوبی برخوردار نیست و گویشی در معرض خطر تلقی می‌شود چرا که تقریباً در همه حوزه‌های مورد بررسی کاربرد بیرجندی به نسبت فارسی کمتر است و علاوه بر آن، با کاهش سن، کاربرد گویش بیرجندی کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، نسل‌های جوان‌تر تمایل کمتری به کاربرد گویش بیرجندی دارند و با ادامه روند موجود، بیم آن می‌رود که کاربرد گویش بیرجندی به تدریج به فراموشی سپرده شود. در مجموع شواهد موجود در حوزه‌های مختلف کاربردی تحت تأثیر سن، از روند زوال تدریجی بیرجندی در منطقه حکایت دارند.

منابع

۱. آقاگل‌زاده، فردوس؛ داوری، حسین (۱۳۸۹). "جهانی شدن و زوال خرده زبان‌ها و گویش‌ها". در: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران. به کوشش عصمت اسماعیلی و مصطفی جباری. سمنان: دانشگاه سمنان: ۱۹-۳۳.
۲. اسماعیلی، محمدرضا؛ بشیرنژاد، حسن؛ روحی‌مقدم، مهرداد (۱۳۸۶). "بررسی جایگاه و کاربرد زبان مازندرانی و نگرش‌های گویشوران نسبت به آن در شهرستان آمل (گزارش یافته‌های یک پژوهش میدانی)". پژوهش‌نامه علوم انسانی، دوره هشتم، ش ۵۶ (زمستان): ۱-۸۲.
۳. بشیرنژاد، حسن (۱۳۸۳). "زبان‌های محلی ایران و خطر انقراض". فرهنگ مردم ایران، سال اول، ش ۵ و ۶ (زمستان): ۸۴-۹۵.
۴. حق‌شناس، علی‌محمد (۱۳۶۹). "شعر و زاد و مرگ زبان‌ها". آدینه، سال ششم، ش ۴۳ و ۴۴ (آذر): ۱۸-۲۱.
۵. ذوالفقاری، سیما (۱۳۷۶). "گوش بختیاری، بقا یا زوال؟". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۶. رضایی، احمد؛ محمدزاده، فاطمه (۱۳۹۲). "کنکاشی در سابقه تاریخی برخی واژگان گویش‌های رایج در آذربایجان". فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال دوم، ش ۶ (بهار): ۹۹-۱۳۳.
۷. فلاحتی، محمدرضا؛ نعمتی، آزاده (۱۳۸۳). "مرگ زبان". آموزش زبان و ادب فارسی، سال پانزدهم، ش ۶۹ (بهار): ۳۰-۳۵.
۸. مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۹. یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۷۴). "زوال زبان‌ها و لهجه‌ها". نامه فرهنگستان علوم، سال دوم، ش ۲ (زمستان): ۱۷-۲۰.

University Press.

11. Fasold, Ralph (1984). *The Sociolinguistics of Society*. Oxford: Blackwell.
12. Fasold, Ralph; Connor-Linton, Jeff (2006). *Language and Linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
13. Grimes, B. F. (2002). "Global Language Viability". [on-line]. Available: http://www.sil.org/sociolx/ndg-lg-grims_article.html. [2015/7/14]
14. Redish, Laura (2001). "Endangered Languages Revival and Revitalization". [on-line]. Available: <http://www.native-languages.org/revive.htm>. [2015/7/14]